

# گزارش نشست‌های

## مجله آفاق اشراق

در فاصله انتشار شماره سوم مجله آفاق اشراق و شماره چهارم مجله، چند نشست ادبی، فلسفی و فرهنگی با پیگیری سردبیر مجله و مشارکت همکاران مجله و با همکاری برخی نهادها و مؤسسات در اصفهان و تبریز برگزار شد. مشخصات نشست‌ها به ترتیب زمان برگزاری و گزارش‌ها و مطالب منتشر شده درباره نشست‌ها در رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی در ادامه می‌آید:

### ● نشست روز بزرگداشت شیخ اشراق

نشست روز بزرگداشت شیخ شهاب‌الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق در دهم مرداد ۱۴۰۳ از سوی دفتر مجله آفاق اشراق در اصفهان برگزار شد. در این نشست آیت‌الله محسن غروی‌ان (استاد سطوح عالی حوزه علمیه) با موضوع «اصالت النور و الملكوت در حکمت اشراق» و حسن اسدی تبریزی (سردبیر مجله) با موضوع «نگاهی به سیر سهروردی پژوهی در ایران معاصر» سخنرانی کردند. گزارش نشست در خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) منتشر شده است.

دکتر نصرالله پورجوادی، که در این نشست حضور داشتند، پس از نشست یادداشتی درباره برخی

**نشست بزرگداشت**

**شهاب‌الدین یحیی سهروردی**

به مناسبت روز بزرگداشت شیخ اشراق

---

**سخنرانان:**

**آیت الله محسن غرویان**  
استاد سطوح عالی حوزه علمیه  
اصالت النور و الملکوت در حکمت اشراق



**حسن اسدی**  
سرمدبیر مجله آفاق اشراق  
نگاهی به سیر سهروردی پژوهی در ایران معاصر



**زمان:** چهارشنبه ۱۰ مرداد، ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

**مکان:** اصفهان، خیابان فلاطوری، کوچه ۳۶، مجتمع ماهتیس



آفاق اشراق  
دوفصلنامه مطالعات  
میان رشته‌ای فلسفه و ادبیات

از مطالب مطرح شده در نشست نوشتند؛ در ادامه استاد غرویان در یادداشتی از حضور و یادداشت دکتر پورجوادی قدردانی کردند و در پایان دکتر پورجوادی یادداشتی خطاب به استاد غرویان نوشتند. به دلیل اهمیت این یادداشت‌ها، متن آنها را منتشر می‌کنیم:

### ● یادداشت دکتر نصرالله پورجوادی

دو سه روز پیش مراسم بزرگداشت سالانه شیخ شهاب‌الدین سهروردی بود. من در مجلسی خصوصی که به همین مناسبت برگزار شده بود شرکت جستم و به خصوص به سخنرانی یکی از محققان گوش دادم. او در ضمن ستایش از سهروردی گفت که سهروردی به دنبال شناخت کنه اشیا بود و در توضیح این مطلب هم گفت هر چیزی دارای وجهی ملکوتی است چنانکه در قرآن هم آمده است: «فَسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء» و سهروردی هم در فلسفه خود می‌خواست وجه ملکوتی هر چیز را بداند. او به دنبال اکتناه بود، یعنی می‌خواست کنه وجود هر چیز را بداند. ملکوت هر چیز و شناخت

آن برای این محقق در حقیقت مهم‌ترین جنبه از حکمت اشراق بود و از نظر او مسئله سهروردی اصالت ماهیت در مقابل اصالت وجود نبود بلکه مسئله شناخت وجه ملکوتی هر چیز بود.

من در آن مجلس بنا نداشتم که حرفی بزنم و نزدم ولی آنچه در همان مجلس به ذهنم خطور کرد این بود که «ملکوت» کلمه‌ای است عربی که در ترجمه لفظ فارسی «مینو» به کار می‌رود و اگر ما متون فلسفه ایرانی مثلا کتاب دینکرد سوم را مطالعه کنیم در می‌یابیم که هر چیز دارای دو وجه است، وجهی مشهود و ملموس و وجهی غیر مشهود و غیر ملموس و به این وجه غیر مشهود و غیر ملموس «مینو» گفته می‌شود و مینو همان کنه وجود هر چیز یا ملکوت هر چیز است و ملکوت هر چیز در دست قدرت اهورامزداست. در فلسفه ایرانی مینو یا ملکوت را عالمی می‌دانند و رای عالم محسوس که به آن گیتی گفته می‌شود. ما همه در گیتی هستیم و حیات ما در گیتی است و به همین دلیل ما کنه اشیاء را نمی‌شناسیم. برای این که ما مینو را بشناسیم باید از گیتی به مینو برویم و به همین دلیل حضرت عیسی مسیح(ع) می‌گفت هیچ کس به ملکوت پی نمی‌برد مگر آن که دو باره زنده شود، این بار در عالم مینو. به همین جهت حکیم مانی خود را زنده‌گر می‌خواند.

پس موضوع کنه اشیاء و شناخت آن چیزی نیست که به سهروردی اختصاص داشته باشد. قبل از او و قبل از اسلام مسیحیان و مانویان نیز همین را می‌گفتند. و قبل از ایشان حکمای ایرانی هم می‌گفتند، چنان که در بندهش آمده است که هر مزد ابتدا مینو را آفرید و سپس گیتی را و به همین جهت هم وجه مینوی هر چیز بر وجه محسوس آن تقدم دارد.

تقسیم آفرینش در فلسفه ایرانی عبارت است از: ۱- آفرینش نخست، ۲- مینو، ۳- گیتی

و در تفکر مسیحی و عرفان اسلامی: ۱- جبروت، ۲- ملکوت، ۳- ملک

تقسیم سه‌گانه فوق در اصل ایرانی است که به مسیحیت و اسلام هم راه یافته است. در فلسفه نوافلاطونی و مشایی این تقسیم سه‌گانه وجود ندارد. نوافلاطونیان در عوض مراتب صدور یا آفرینش را چنین تقسیم می‌کنند: ۱- واحد یا یک، ۲- عقل (نوس)، ۳- نفس یا جان (پسوخته Psychology) هم از همین کلمه است)، ۴- طبیعت (فوسیسی)، ۵- جهان مادی.

در انگلیسی ملکوت یا مینو می‌شود Heaven و عالم ملکوت یا مینو می‌شود The Kingdom of Heaven و در انگلیسی و به خصوص فرانسه Celes tial هم می‌گویند. ترجمه کلمات heav- only یا Celes tial به آسمانی دقیق نیست. ترجمه دقیق این الفاظ «مینوی» است.

### ● نامه استاد محسن غرویان

جناب استاد محترم دکتر نصرالله پورجوادی (دامت برکاته)

سلام علیکم،

جناب عالی با حضور خود در پایتخت فرهنگی ایران، اصفهان، و در مجلس ما به مناسبت سالروز بزرگداشت حکیم اشراق شیخ شهاب‌الدین سهروردی (ره) به ما افتخار دادید و بر وزانت علمی مجلس ما افزودید.

اینجانب به‌عنوان تلمیذی کوچک از تلامذه بزرگان اهل علم، از حضور متواضعانه و حکیمانه و نیز از نقد و یادداشت عالمانه‌ای که مرقوم فرموده‌اید، صمیمانه تشکر می‌کنم. امیدوارم مسئولین کشور از شما سرمایه‌های علمی و فرهنگی ایران بیشتر استفاده کنند.

حوزه علمیه قم، محسن غرویان

### ● نامه دکتر نصرالله پورجوادی

جناب حجه‌الاسلام حاج آقا محسن غرویان

با سلام،

ابتدا از بابت یادداشت مهرآمیز و بزرگواری‌های که مرقوم فرموده بودید تشکر می‌کنم و سپس از بابت شبی که در منزل خود آن مجلس به یاد ماندنی را برگزار کردید و من هم به تصور اینکه مجلسی عمومی است شرکت کردم تا از بیانات حضرت عالی درباره ملکوت اشیاء بهره‌مند شوم و شدم.

آنچه جناب عالی فرمودید در حقیقت لب و لباب فلسفه اشراق و بلکه هر فلسفه اصیل است. صدها سال است که به خصوص در غرب مردم هدف اصلی فلسفه را فراموش کرده‌اند؛ تصور می‌کنند مطلوب فیلسوف همین گفت و گوها و بحث‌های بی‌حاصل است، در حالی که هدف فلسفه، همان‌طور که فرمودید، اکتناه است و اکتناه رفتن به کنه هر چیز است. می‌گویم رفتن چون شناخت کنه اشیاء جز با رفتن و به اصطلاح ارتقای وجودی میسر نیست. با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود. ما همه در ملکیم و ملکوت را نمی‌شناسیم. شناخت ملکوت مستلزم رفتن به ملکوت است و رفتن به ملکوت مستلزم تولدی دوباره، چنان که حضرت عیسی (علی نبینا و علیه السلام) فرمود.

نصرالله پورجوادی

موزه هنرهای معماری و مهندسی  
ARCHITECTURE MUSEUM

نشر هوما

اشراق

انجمن ادبی هنگام با همکاری  
مجله آفاق اشراق برگزار می‌کند.

جشن رونمایی و امضای کتاب  
"بر شانه های خویش"  
نویسنده: نگار صراف

با حضور: دکتر محسن رنانی - دکتر  
مرتضی رشیدی - دکتر حمیرا خانجانی -  
دکتر وجیهه ربیع - حسن اسدی

سه شنبه ۲۰ شهریور ماه  
ساعت ۱۸ تا ۱۹:۳۰ در ایوان خانه صفوی

خانه صفوی  
خیابان خاقتانی، نبش کوچه ۳۱

### ● نشست رونمایی و بررسی کتاب «بر شانه‌های خویش»

نشست رونمایی و بررسی داستان بلند بر شانه‌های خویش نوشته نگار صراف (نشر هوما و نشر قطره) از سوی مجله آفاق اشراق و با همکاری انجمن ادبی هنگام در بیستم شهریور ۱۴۰۳ در عمارت خانه صفوی اصفهان برگزار شد. در این نشست دکتر محسن رنانی، دکتر مرتضی رشیدی، دکتر حمیرا خانجانی، حسن اسدی تبریزی، ناهید سلیمانی، دکتر وجیهه ربیع (ویراستار) و نگار صراف (نویسنده) درباره جنبه‌های مختلف اثر نکاتی را مطرح کردند.

متن مکتوب سخنرانی حمیرا خانجانی، منتقد ادبی، در این نشست در ادامه می‌آید:

## \* تحلیل و بررسی داستان «بر شانه‌های خویش» از دید عناصر داستان

کتاب «بر شانه‌های خویش» داستان بلند ۲۰۵ صفحه‌ای است از خانم نگار صراف که نشر هوما در سال ۱۴۰۱ منتشر کرده است.

**طرح جلد:** طرح جلد تصویر خانمی است با لباسی از گل که طرح و رنگ لباس شبیه کره زمین است (ما را یاد کره زمین می‌اندازد) و خانم دست روی گوش خودش گذاشته که با درون مایه داستان کاملاً هماهنگ است.

**نوشته پشت جلد:** در مورد عنوان کتاب نوشته «بر شانه‌های خویش داستانی است که واقعاً بر شانه‌های خویش است و در بند هیچ سبکی نبوده و به تقلید از هیچ رمانی نوشته نشده است. به نظر من علاوه بر این توضیح، عنوان کتاب با درون‌مایه داستان هماهنگ است. داستان ماجرای دختری است که تمام مسائل و مشکلات را بر شانه خود به تنهایی حل می‌کند.

مکان و زمان داستان اصفهان دهه هفتاد یا هشتاد است (ناهماهنگی) گرچه موضوع داستان (درون‌مایه) داستان منحصر به این زمان و مکان نیست و مسئله‌ای است که در بیشتر شهرها و حتی کشورها و نیز زمان‌های دیگر هم وجود داشته است.

**شخصیت‌ها:** شخصیت اصلی داستان گیتی است و ماجرای داستان با کشمکش عاطفی - احساسی گیتی پیش می‌رود؛ به جز گیتی، پدر و مادر گیتی، علی همسر گیتی و مادر علی، استاد گیتی هم از شخصیت‌های داستان هستند. اما در تمام داستان هیچ توصیفی از این شخصیت‌ها نشده است. خواننده از دریچه نگاه گیتی این افراد را می‌شناسد و غیر از آن هیچ شناخت و حسی نسبت به آنها ندارد. در پایان داستان نمی‌توانیم این افراد را تصور کنیم یا اعمال آنها را قضاوت و بررسی کنیم.

به جز توصیف، گفتگو و دیالوگ هم از راه‌های شناساندن شخصیت‌هاست. در این داستان گفتگوها بسیار کم است و نمی‌توان از این راه آنها را شناخت و با آنها ارتباط برقرار کرد.

**فضای داستان و حوادث:** نویسنده در این داستان برای صحنه‌پردازی نیز به جای توصیف، توضیح را به کار گرفته. در تمام داستان توصیفی از شخصیت‌ها، صحنه، فضا و زمان و مکان وجود ندارد. به همین سبب آگاهی خواننده از فضای داستان و حوادث محدود است. درست

مثل صحنه نمایشی که مخاطب تنها بخشی را می بیند که راوی نور انداخته و روشن کرده است.

### \* راوی در داستان چندگانه است.

ابتدای داستان، راوی سوم شخص - دانای محدود است. این راوی را «صدای شخصیت» یا «راوی محدود به ذهن شخصیت» گفته اند. [این نمونه روایت را در داستان سووشون دانشور دیده ایم]. یکی از شیوه‌هایی که برای افزایش صمیمیت در زاویه دید بیرونی انتخاب می شود برگزیدن همین راوی است. یعنی راوی سوم شخص فقط در قالب یکی از شخصیت‌های داستان می رود و داستان از دید او روایت می شود.

در این نوع روایت، راوی شخصی است آگاه که در داستان حضور دارد و می تواند در اتفاقات و کشمکش‌ها دخالت داشته باشد یا نداشته باشد.

داستان به نیمه نرسیده راوی تغییر می کند. این بار جنبه آگاه و نیمه منطقی گیتی روایت را به عهده می گیرد.

«به آینه نزدیک تر شد که ناگهان چشمش به من افتاد. اینجا بود که ما متوجه حضور یکدیگر شدیم. به او نگاه کردم. عصبانی بودم. به این دلیل که او مرا فراموش کرده بود. سعی کردم نگاهش را نادیده بگیرم» (ص ۵۸).

«کتاب مورد علاقه اش را پیدا کردم. کمی خوراکی برداشتم. نور اتاق را کم و چراغ مطالعه را روشن کردم. گیتی موهایش را باز کرد و شانه زد» (ص ۶۳).

چند صفحه بعد «خیلی با هم کار داشتیم و فکر می کنم به من بسیار بدهکار بود. این را خوب می دانست»

یا «نمی توانستم همیشه عقایدم را به گیتی تحمیل کنم و احساساتش را نادیده بگیرم»

«صبح با انرژی از خواب بیدار شدم. هیجان خاصی داشتم. نمی دانستم امروز قرار است چه کار کنیم»

و جلوتر در صفحه ۸۴ راوی همان نویسنده است.

«با گیتی در خاطرات هم قدم می شوم: او مرا دنبال خود می کشاند به هر طرف که

بخواهد. گاهی تمام اتفاقات با جزئیات از جلوی چشمانم می‌گذرد. شیشه‌ عینکم بخار می‌گیرد. من بی‌توجه به آن به راهم ادامه می‌دهم تا جایی که متوجه می‌شوم صورتم خیس است و چشمانم پرآب و دیگر کلمات روی صفحه نمایش را نمی‌بینم. دستانم از حرکت می‌ایستد. آنها را در هم قفل می‌کنم. سرم را روی دستانم می‌گذارم تا به ذهنم اعلام کنم سرعت دستانم با تو یکی نیست کمی آرام‌تر» (ص ۸۴).

اینجا داستان به شیوه‌ی روایت پست مدرن نزدیک شده است. یعنی واژه‌ها هستند که داستان را خلق می‌کنند.

و تا پایان داستان این سه راوی پایه‌پای خواننده پیش می‌آیند و حضور دارند که هر سه نماینده‌ی نویسنده در داستان هستند.

موضوع داستان زن و مسائل مربوط به زنان است. شخصیت اصلی و محوری داستان گیتی است و چون نویسنده داستان نیز زن است، گفتمان هم زنانه است و این نقطه‌ی قوت داستان است. درون‌مایه‌ی داستان دست و پنجه نرم کردن زنی است با تمام مسائل و مشکلاتی که در زندگی با آن روبه‌رو می‌شود. گیتی نماینده‌ی زن در این جامعه است که هنوز «جنس دوم» و «جنس ضعیف» به حساب می‌آید. از آنجا که درون‌مایه‌ی داستان، نشان‌دهنده‌ی جهت فکری نویسنده است و نویسنده زنی است که در روزگار ما و با ما زندگی می‌کند داستان بیانگر رفتار جامعه با همین زنان است.

گیتی علاوه بر این که زن است، با دیگران تفاوت جسمانی هم دارد.

«فرا رسیدن آغاز دبستان برای گیتی شروع تجربه‌های جدید و متفاوت بود. کم‌کم تفاوتش را با بچه‌ها می‌دید و حس می‌کرد»

و این مسئله مشکلات او را دوچندان کرده است.

در آغاز داستان و نیز در روند حوادث راوی خانواده‌ی گیتی را خانواده‌ای تحصیل‌کرده و آگاه نشان می‌دهد، اما در تمام حوادث داستان، ما هیچ‌گونه حمایتی از گیتی، از سوی



خانواده‌اش نمی‌بینیم. مخصوصاً در مورد کشمکش‌هایی که گیتی با همسرش و زندگی زناشویی دارد.

وقتی گیتی به پدرش می‌گوید: «من حالا سالمم و چند سال هست در تلاشم برای زندگی. اگر بروم دوباره می‌آیم. این بار جنازه‌ام برمی‌گردد» (ص ۹۲).

می‌شنود که: «انسان قوی است. بدن می‌تواند خودش را بازسازی کند» (ص ۹۲).  
و گیتی از پدر می‌خواهد فقط همین یک‌بار به او اعتماد کند و پدر اعتماد نمی‌کند و حرفش را جدی نمی‌گیرد.

رفتار مادر هم بی‌شبهت به رفتار پدر نیست.

گره‌های داستان، مسائلی است که برای زن در این جامعه پیش می‌آید، دغدغه‌های همه زنان و اکثر زنان نیز از سمت همین مسائل آسیب دیده‌اند. با همین مشکلات روبه‌رو بوده‌اند یا تسلیم شده‌اند یا جنگیده‌اند.

شخصیت اصلی این داستان هم برای تمام آنچه حق اوست، می‌جنگد. بارها می‌شکند و مجبور است دوباره بلند شود. در تمام این افتادن و برخاستن‌ها تنهاست بدون حمایت هیچ فرد یا نهادی.

باز به نظر من از نقاط قوت داستان، شجاعت و جسارت راوی است که به راحتی از مشکلات گیتی سخن گفته. راوی داستان که زن است به تمام معنا و با تمام ویژگی‌های زنان دوبار در داستان تابوشکنی می‌کند.

یک بار وقتی خصوصی‌ترین مشکل گیتی را مطرح می‌کند و با گیتی برای رفع این مشکل همراه می‌شود و راه نشان می‌دهد، بی‌آنکه بخواهد به بهانه‌ی حیا، میل او را خفه کند که نشان می‌دهد ما با راوی - نویسنده‌ای روبه‌رو هستیم که به خودباوری رسیده و با همین خودباوری تابوشکنی می‌کند و این بسیار ارزشمند است.

یکی دیگر از جاهایی که گیتی با شهامت، خواسته‌ی خودش را مطرح می‌کند زمانی است که تقاضای طلاق را بیان می‌کند. طلاق تا سال‌ها پیش در جامعه و به ویژه در شهر ما تابو بود، با آنکه دین و مذهب آن را حرام نمی‌داند. گیتی تا زمانی که دیدگاه قرآن را در

مورد طلاق نمی‌دانست، هیچ‌گاه به آن فکر نکرده بود. اما «او دیگر خوب می‌دانست که به همان اندازه که ازدواج مقدس است جدایی هم می‌تواند مقدس باشد» (ص ۷۷).

گیتی وقتی نمی‌تواند مشکل زندگی زناشویی را حل کند، تصمیم به طلاق می‌گیرد با مخالفت خانواده (هم پدر و هم مادر) روبه‌رو می‌شود. مجبور می‌شود تا باز هم برگردد به همان زندگی و ازدواجش ادامه پیدا می‌کند.

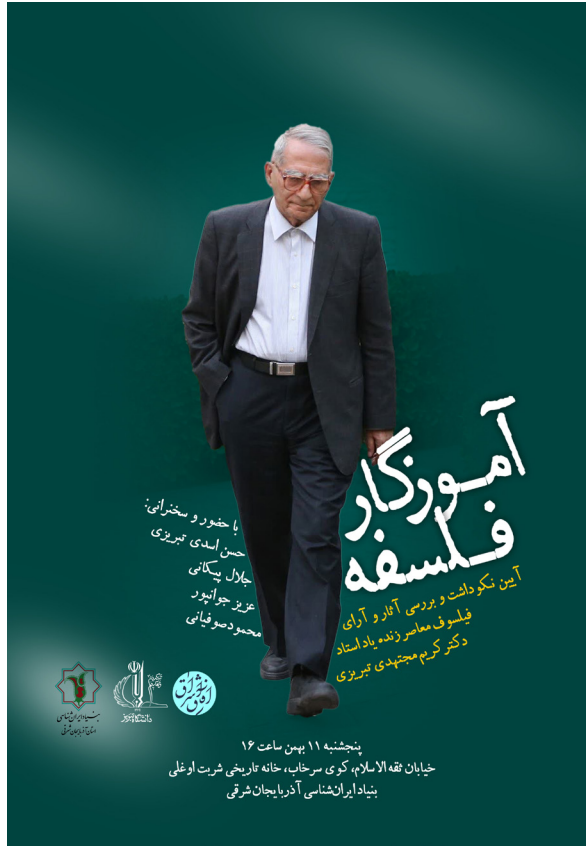
اما وقتی علی برای طلاق اقدام می‌کند به راحتی این امر اتفاق می‌افتد. گرچه باز هم گیتی است که مجبور است از تمام حقوق قانونی خود بگذرد.

همراه گیتی که می‌شویم، گویی تمام دردها، رنج‌ها، گره‌ها، راه‌های رفته و نرفته‌اش را می‌شناسیم. انگار روایت خود ما یا یکی از نزدیکان ماست.

در طول داستان و به خصوص در نیمه دوم داستان (به دلیل اسپویل شدن) نویسنده از راوی تبدیل می‌شود به یک ناصح یا روان‌درمانگر، معلم، سخنران. این شیوه که قطعاً آگاهانه و به عمد انتخاب شده گاهی از حالت اعتدال خارج می‌شود و جنبه شعاری به خود می‌گیرد و برای خواننده خسته‌کننده می‌شود.

در بخش‌هایی این مباحث تبدیل می‌شود به کلاس درس و نظریه‌های دینی، تربیتی یا روانشناسی مطرح می‌شود. این بخش‌ها که گاهی از یک صفحه بیشتر می‌شود نه برای خواننده عادی جذاب است و نه برای خواننده‌ای که با این علوم و نظریه‌ها آشناست. گرچه نشان‌دهنده آگاهی نویسنده از این علوم است اما به نظر می‌رسد، برای طولانی شدن داستان، این بخش‌ها در داستان آمده‌اند. درحالی‌که داستان با توجه به شخصیت پویای گیتی، گنجایش آن را داشت که نویسنده کم‌تر داوری کند و بیشتر نشان بدهد و قضاوت را به عهده خواننده بگذارد.

و در پایان: کشمکش‌هایی که در داستان ایجاد شده قابلیت همراه کردن خواننده را دارد و من خواندن داستان را به همه دوستان به ویژه به مردان توصیه می‌کنم. این داستان در پیچ‌های است که شما می‌توانید با گوشه‌ای از دغدغه‌های زنان و مسائلی که هر روز زنان (خواهر، مادر، همسر، دختر، دوست) با آن روبه‌رو هستند، آشنا شوید و با دنیای زنان مأنوس گردید.

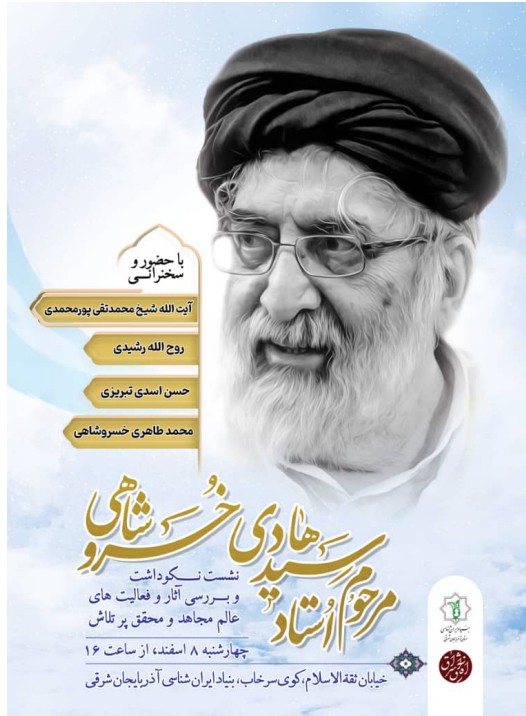


## ● نشست نکوداشت دکتر کریم مجتهدی

آئین نکوداشت و بررسی آثار و آرای استاد مبرز فلسفه مرحوم دکتر کریم مجتهدی با عنوان «آموزگار فلسفه» یازدهم بهمن ۱۴۰۳ با مشارکت و همکاری بنیاد ایران‌شناسی آذربایجان شرقی، دانشگاه تبریز و مجله آفاق اشراق در بنیاد ایران‌شناسی آذربایجان شرقی برگزار شد.

در این نشست که به مناسبت اولین سالگرد درگذشت دکتر مجتهدی و در زادگاه ایشان برگزار شد، دکتر جلال پیکانی (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)، دکتر محمود صوفیانی (عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز)، دکتر عزیز جوانپور (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز) و حسن اسدی تبریزی (سر دبیر مجله آفاق اشراق) درباره خاندان مجتهدی، زندگی و آثار و نقش دکتر مجتهدی در آموزش فلسفه در ایران معاصر سخنرانی کردند.

گزارش تصویری این نشست در پایگاه خبری مظفریه آنلاین منتشر شد.



## ● نشست نکوداشت استاد سید هادی خسروشاهی

نشست نکوداشت و بررسی آثار و فعالیت های عالم مجاهد و محقق پر تلاش مرحوم استاد سید هادی خسروشاهی در هشتم اسفند ۱۴۰۳، با همکاری و مشارکت بنیاد ایران شناسی آذربایجان شرقی، دفتر حفظ و نشر آثار و اندیشه های استاد سید هادی خسروشاهی و مجله آفاق اشراق، در بنیاد ایران شناسی آذربایجان شرقی برگزار شد.

در این نشست که به مناسبت پنجمین سالگرد درگذشت استاد در زادگاه ایشان برگزار شد، آیت الله شیخ محمدتقی پورمحمدی (عضو مجلس خبرگان رهبری)، دکتر روح الله رشیدی (رئیس مرکز پژوهش های شورای اسلامی کلانشهر تبریز)، دکتر محمد طاهری خسروشاهی (رئیس بنیاد ایران شناسی آذربایجان شرقی) و حسن اسدی تبریزی (سرمدیر مجله آفاق اشراق و از دوستان استاد) درباره خاندان، شخصیت علمی، مبارزات، فعالیت های سیاسی و فرهنگی و آثار مرحوم استاد خسروشاهی سخنرانی کردند. گزارش تصویری این نشست در پایگاه خبری مظفریه آنلاین و گزارش خبری آن در ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران) و سایت راه هادی (دفتر حفظ و نشر آثار استاد خسروشاهی) منتشر شد.



### ● نشست نکوداشت آیت الله سید مرتضی مستنبط غروی

نشست نکوداشت مقام علمی حکیم الهی و مفسر قرآن کریم مرحوم آیت الله حاج سید مرتضی مستنبط غروی در سیزدهم خرداد ۱۴۰۴ با مشارکت و همکاری بنیاد ایران شناسی آذربایجان شرقی، مدیریت حوزه علمیه استان آذربایجان شرقی، خانه توسعه آذربایجان و مجله آفاق اشراق در بنیاد ایران شناسی آذربایجان شرقی برگزار شد.

در این نشست، که اولین نشست در معرفی و بزرگداشت مرحوم آیت الله مستنبط غروی بود، حجه الاسلام سید رضی بلاغی (از شاگردان آن مرحوم)، حجه الاسلام حسین خادم حسینی (مؤلف و پژوهشگر)، حسن اسدی تبریزی (سرمدیر مجله) و دکتر محمد طاهری خسروشاهی (رئیس بنیاد ایران شناسی آذربایجان شرقی) درباره زندگی و آثار و آراء آن حکیم الهی سخنرانی کردند.

گزارش تصویری این نشست در پایگاه خبری مظفریه آنلاین منتشر شد و بخش خبری صداوسیما استان آذربایجان شرقی از برپایی این نشست گزارشی تهیه و پخش کرد.



### ● نشست بررسی پیشینه و آینده پژوهش‌های میراث فرهنگی ربع رشیدی

نشست بررسی پیشینه و آینده پژوهش‌های میراث فرهنگی ربع رشیدی در شانزدهم مهر ۱۴۰۴ با مشارکت و همکاری بنیاد ایران‌شناسی آذربایجان شرقی و مجله آفاق اشراق در بنیاد ایران‌شناسی آذربایجان شرقی برگزار شد.

در این نشست دکتر بهرام آجورلو (رئیس دانشکده حفاظت آثار فرهنگی دانشگاه هنر اسلامی تبریز)، دکتر حسین اسمعیلی سنگری (عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی)، حسن اسدی تبریزی (سر دبیر مجله) سخنرانی کردند. همچنین نعمت‌الله پایان (مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی)، اسد بابایی (مدیرکل کتابخانه‌های آذربایجان شرقی)، مسعود برزگر جلالی (رئیس مرکز اسناد شمال غرب کشور) و محمد طاهری خسروشاهی (رئیس بنیاد ایران‌شناسی آذربایجان شرقی) نکات و توضیحاتی بیان کردند.

گزارش تصویری این نشست در پایگاه خبری مظفریه‌آنلاین و گزارش خبری آن در نصر نیوز منتشر شد.